

نقد کتاب آسیب شناسی اجتماعی و جامعه شناسی انحرافات

اقتباس : دکتر محمد حسین فرجاد نشر اول : انتشارات بدر، بهار ۱۳۶۳ تعداد صفحات: ۲۸۸ صفحه در قطع وزیری

کتاب آسیب شناسی اجتماعی و جامعه شناسی انحرافات، دارای هفت بخش با این عناوین است: شناخت علمی انحرافات، رابطه قانون با انحرافات اجتماعی و مسائل اجتماعی، شناخت مسائل اجتماعی و درمان آنها، نقش عوامل اقتصادی و فنی در انحرافات، اعتیاد به مواد مخدر، بزهکاری یا جرم از دیدگاه جامعه شناسی و شهرنشینی و انحرافات اجتماعی.

این کتاب مجموعه ای از مطالب ترجمه شده از منابع مختلف با اشاراتی به جامعه ایران است. مؤلف و مترجم محترم، بخش پنجم را به سراد، بخدر اختصاص داده است و آن را نتیجه تحقیقات خویش در کشورهای مختلف و از جمله ایران ذکر کرده است. کتاب پیشگفتاری کوتاه دارد و مطالب آن با چند جدول همراه است ولی از عکس و نمودار در این کتاب اثری نیست. کتاب دارای نثری روان است.

متن اصلی کتاب برای دانشگاه تربیت معلم تدوین و اول بار در پاییز سال ۱۳۵۸ منتشر شده است. کتابی که مورد نقد و بررسی قرار می گیرد، اصلاح شده کتاب بند کور است که نشر اول آن در بهار ۱۳۶۳ از سوی انتشارات بدر بوده است.

از شش منبعی که در فهرست منابع ذکر شده، سه منبع، مربوط به دو تن از جامعه شناسان صاحب نظر در مسائل و انحرافات اجتماعی یعنی مارشال کلینارد و آلبرت کوهن است. در متن کتاب منابع مطالب ترجمه شده در زیر نویس صفحات قید نشده است، به نظر می رسد که حداقل دو بخش از بخشهای کتاب از کتابهای مذکور ترجمه شده باشند. در فهرست منابع، نام کلینارد اشتباها کلینارب چاپ شده است. کتابی که از نامبرده در اینجا مورد استفاده قرار گرفته جامعه شناسی رفتار انحرافی نام دارد ولی متأسفانه نه ناشر آن مشخص شده و نه تاریخ چاپ و ویرایش آن. به هر حال، احتمالاً مترجم از ویرایش سال ۱۹۶۳ استفاده کرده است. این کتاب در مورد هنجارهای اجتماعی در جامعه نوین بحث می کند و انواع انحرافات را که در جوامع شهری اتفاق می افتد مورد بررسی قرار می دهد.

کلینارد همچنین در کتاب خود انواع گوناگون انحراف را از قتل گرفته تا جرایم یقه سفیدان شرح می دهد.

علاوه بر کتاب مذکور، دو کتاب به نامهای **انحراف و کنترل وی هنجاری و رفتار انحرافی** زیر نام کوهن در فهرست منابع آمده است که دومی باید از تألیفات کلینارد باشد و ظاهراً کوهن کتابی تحت این عنوان ندارد و در این مورد اشتباهی رخ داده است.

کتاب بی هنجاری و رفتار انحرافی کلینارد مجموعه ای از مقالات است که بر این عقیده تأکید می کند که انحراف، ناشی از عوامل زیستی و روانی نیست بلکه نتیجه ناتوانی جامعه در فراهم آوردن اسکانات برای برخی از مردم به منظور دستیابی آنها به هدفهای پادشاهی از جامعه است. همچنین استدلال می شود که به هر حال این مردم برای رسیدن به آن هدفها یا پادشاهها راه انحراف را می پیمایند.

در کتاب انحراف و کنترل کوهن به طور مختصر و فشرده انواع نظریه های انحرافات اجتماعی را مورد بررسی قرار می دهد.

از منابع دیگر، کتاب جامعه شناسی جرم و بزه کاری تألیف ولفگانگ، ساویتزو جانسون است.

کتاب آسیب شناسی دکتر فرجاد دارای مجموعه مقالاتی جدای از یکدیگر است و ارتباط لازم میان این مقولات که لازمه یک کتاب درسی است برقرار نیست. هر بخش برای خود به طور مستقل بحثی را دنبال می کند، همانند مقالات یک نشریه و یا مجموعه مقالاتی که در یک کتاب برای مطالعه فراهم می آید. بدین گونه، این کتاب به تنهایی نمی تواند برای تدریس در دانشگاه به عنوان کتاب درسی مفید واقع شود.

اصطلاحات تعریف نشده

به علت کاربرد پاره ای از اصطلاحات خاص در انحرافات اجتماعی و آسیب شناسی، ضرورت تعریف این گونه اصطلاحات مشهود است. در مبحث شناخت علمی انحرافات اجتماعی، گرچه به بعضی از این اصطلاحات از جمله همجارهای اجتماعی و کجروی، پرداخته شده است ولی بقیه اصطلاحات تعریف نشده و حتی معادلهای لاتین آن نیز در داخل پراکنش و یا در زیر نویس نیامده است. بعضی از اصطلاحاتی که تعریف شده، معانی مناسب آن واژهها را نمی رساند، مثلاً اصطلاح فرهنگ در این کتاب به معنای انتقال فرهنگی گرفته شده است که تعریف دقیقی از این واژه نیست.

همچنین واژه های فارسی که معادل اصطلاحات خارجی قرار گرفته اند، به طور یکسان و

بدون تغییر در متن کتاب به کار گرفته نشده‌اند، مثلاً اصطلاح «آسیب‌شناسی اجتماعی» را ظاهراً معادل Pathology به کار برده‌اند ولی در صفحه ۲۳، از «دردشناسی اجتماعی» سخن گفته که معلوم نکرده‌اند معادل چه اصطلاحی است. و نیز از واژه‌های کجروی و انحراف‌هردو برای واژه deviance استفاده کرده‌اند.

علاوه بر نبودن معادلهای لاتین اصطلاحات به کار رفته، در بیشتر موارد و بویژه در بخشهای آخر کتاب، نامهای اشخاص به صورت لاتین آن ذکر نشده تا خواننده دقیق‌تر با آن نامها آشنا شود.

شناختی نه چندان مقدماتی از آسیب‌شناسی

در بخش نخستین کتاب زیر عنوان شناخت علمی انحرافات اجتماعی، ظاهراً باید اطلاعات کلی و مقدماتی در مورد انحرافات اجتماعی در اختیار خواننده قرار گیرد، اما به جز چند اصطلاح و مفهوم، سایر مفاهیم اساسی انحرافات اجتماعی توضیح داده نشده‌است.

در این سبخت به جای پرداختن به سباحث کلی علمی و شناخت کلی از روند و پیدایش آسیبهای اجتماعی و لزوم شناخت این آسیبها که به سبب بیماریهای اجتماعی هستند، و نیز به جای معرفی عوامل مؤثر در این بیماریها و آشنایی با راهها و طرق مختلف نظری در برخورد با این پدیده‌ها، فقط به صورت پراکنده پاره‌ای از مسائل و آسیبهای اجتماعی توضیح داده شده‌است. از جمله به تفاوتهای هنجاری پرداخته شده و بر روی کنترل قانونی در بهنجار کردن رفتارهای اجتماعی تکیه شده است. این مورد بویژه در جامعه ما که عوامل مذهبی و اخلاقی تأثیر زیادی در کنترل رفتارهای اجتماعی دارند، موجب می‌شود تا ذهن دانشجو به عامل کنترل کننده قانونی در بهنجار کردن رفتارها متوجه شود. به دنبال این مطلب، سؤال شده که: آیا شما هم فکر می‌کنید مجازات سازنده است؟ (ص ۱۲). تصویر ذهنی دانشجویان از مسائل اساسی آسیب‌شناسی از طرح چنین سؤالات و مطالبی به سبب جنبی آسیب‌شناسی منحرف می‌شود.

باید توجه داشت که تکیه کردن بر قانون در بهنجار کردن رفتارها، در جوامع غربی، امری طبیعی است و رابطه مردم با قانون آن گونه که در جوامع غربی وجود دارد، برای جامعه ما صادق نیست، به همین دلیل، آمارها و مطالبی که در بخش دوم (رابطه قانون با انحرافات و مسائل اجتماعی) ارائه شده احتمالاً با واقعیات جامعه ما تطبیق نمی‌کند.

بررسی نظری علل انحرافات اجتماعی

در بررسی نظری علل انحرافات اجتماعی، به نقش عامل اقتصادی در رفتارهای انحرافی اشاره شده‌است. در این مورد کتاب به بررسی نظر اقتصاد دانان کلاسیک، متفکران سوسیالیست و اقتصاد دانان قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم پرداخته‌است که همگی عامل اقتصادی را در

ایجاد یا رفع مشکلات اجتماعی مؤثر می‌دانند. سپس به نظریه «پس افتادگی فرهنگی» پرداخته که به عنوان مشهورترین نظریه علمی در تبیین علل انحراف اجتماعی معرفی می‌شود. گرچه تمام این نظریه‌ها مهم هستند، ولی بهتر بود که نظریه‌های جامعه‌شناسان دیگر از جمله کارکرد گرایان مشهوری چون اسپیل دورکیم^۸ نیز نقل می‌شد و کتاب «خودکشی» او مورد بررسی قرار قرار می‌گرفت. همچنین از میان کارکردگرایان اخیر نظرات روبرت مرتن^{۱۰} بررسی می‌شد. و نیز مناسب بود که از نظریه‌های دیگری چون «انتقال فرهنگی»^{۱۱}، «واکنش متقابل اجتماعی»^{۱۲} و «پدیدارگرایی»^{۱۳} به‌طور ایجاز سخن می‌رفت و در مورد نظر هربرت سید^{۱۴} درباره نقش اجتماعی توضیح داده می‌شد.

و بالاخره بهتر بود به نظریه‌های «تعارض اجتماعی»^{۱۵} یعنی نظریه‌های کشاکش میان گروهی، چون نظرات ابن خلدون و داروینیستها و نظریه‌های کشاکش درون گروهی چون نظرات مارکس و نظریه‌های جدید اشاراتی می‌شد.

اعتیاد و سایر مسائل

در این کتاب بخشی به مواد مخدر اختصاص دارد. این بخش آن‌طور که استنباط می‌شود متن یک سخنرانی است که توسط مؤلف محترم ایراد شده است، ولی برای انتقال متن سخنرانی به متن کتاب هیچ اصلاحی صورت نگرفته است. به همین دلیل، اشکالاتی در این متن به چشم می‌خورد از جمله در صفحات ۱۴۳ و ۱۵۷ اشاراتی به نشان دادن اسلاید برای مستند کردن گفته خویش شده است. بهتر بود که در زیرنویس صحنه آغاز این بخش، به این نکته اشاره می‌شد که سخنرانی مذکور در کجا و چه زمانی و به چه مناسبتی صورت گرفته است. از این گذشته مناسبت داشت که قبل از شروع این بخش مؤلف محترم توضیحاتی را درباره ساخت شخصیت و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن ارائه می‌داد و آنگاه پس از اشاراتی به ناهنجاریهای روانی، خودکشی، مصرف الکل، انحراف جنسی و شورشهای جوانی، به شرح یکی از مهم‌ترین انحرافات شخصیتی و اجتماعی یعنی اعتیاد به مواد مخدر می‌پرداخت. در ابتدای این بخش اشاره شده که مؤلف در ایران و چند کشور دیگر تحقیقات و مطالعاتی در این زمینه داشته است ولی متأسفانه اطلاعاتی که ارائه شده همگی مربوط به خارج از ایران است.

در مورد عوامل اجتماعی که در رشد اعتیاد به مواد مخدر در جامعه مؤثر هستند، توضیحات نا کافی و ناقصی داده شده است. با توجه به اهمیت این گونه عوامل بویژه در کتابی که به همین منظور گردآوری شده است، لازم بود مطالب کاملتری ارائه می‌شد. همچنین از ذکر عواملی چون عامل سیاسی، وجود قدرتهای امپریالیستی، باندهای فساد بین‌المللی، و گروههای فشار غفلت شده است.

عامل نابرابریهای اقتصادی و اجتماعی به دلیل اهمیتی که در به وجود آوردن انحرافات و مسائل اجتماعی دارد، باید خیلی بیشتر از یک پاراگراف در این کتاب به آن بها داده می‌شود. و بالاخره، در مورد عامل تسلط گروههای اقلیت نژادی، مثالی که آورده شده با عنوان مطلب تفاوت دارد.

شهرنشینی و انحرافات اجتماعی

طولانیترین بخش کتاب که حدود سی درصد حجم کتاب را در برمی‌گیرد، به شهرنشینی و انحرافات اجتماعی، مربوط می‌شود. بیشتر مطالب این بخش مستقیماً با موضوع اصلی کتاب ارتباط ندارد. مطالبی چون «تاریخچه شهرنشینی»، «شهرگرایی و شهرنشینی به عنوان روش جدید زندگی»، «شهرنشینی و تحمل‌گرایی» و «آموزش زندگی شهری» به طولانی کردن این بخش انجامیده است و این در حالی است که قسمت عمده مطالب بخشهای دیگر کتاب نیز به نحوی به شهرنشینان مربوط می‌شود.

با وجود آنکه مطالب این بخش گسترده است، ولی از نظریه جامعه‌شناسان در مورد انحراف اجتماعی ناشی از شهرنشینی (مثل نظر ابن خلدون) غفلت شده است. همچنین در مورد آثار ناشی از شهرنشینی که نهایتاً به انحرافات اجتماعی کمک می‌کند، ذکر به میان نیامده است.

پاره‌ای از این آثار عبارت‌اند از:

- خطر تهدید بهداشت جسمی افراد، ناشی از محیط و هوای آلوده شهر که به ضعف جسمی افراد منجر می‌شود.

- خطر تهدید بهداشت روانی افراد که ناشی از سروصدا و شلوغی و ازدحام شهرهاست.

- خطر تنهایی که نتیجه آن سستی پیوندها میان افراد گروههای نخستین اجتماعی است.

- بی‌هدفی، سرگردانی، تلف کردن وقت، پول و انرژی در شهرها.

- زمینه‌های گسترده آلودگی و فساد اخلاقی و امکانات وسیع خوشگذرانی و بی‌بند و

باری در شهرها.

بخش شهرنشینی و انحرافات اجتماعی برای جامعه ایرانی که مشکلات خاص شهری خود را دارد، نمی‌تواند چندان صادق باشد. در اینجاست خوب بود که آمار و ارقام و بررسیهایی چند که در مورد مشکلات و انحرافات اجتماعی مربوط به شهرنشینان ایرانی است ارائه می‌شد.

موارد مبهم و غیر مستند

این کتاب که برای تدریس انتخاب شده است، قاعدتاً باید هر جمله آن مستند بوده، از پشتوانه‌های تحقیقاتی برخوردار باشد و از تحلیلها و نظریه‌های معتبر بهره برده باشد. متأسفانه

در لابلای صفحات این کتاب به سواردی برمی خوریم که مطالب، بدون ذکر منبع تحقیقاتی، به صورت کلی و یا مبهم بیان شده است.

در زیر نمونه هایی از این گونه مطالب نقل می شود:

«در حال حاضر برخی از اعمال در کشورهای اسکاندیناوی مجاز است که در ایران جرم محسوب می شود.» (ص ۲۸)، در این مورد بهتر بود نمونه هایی از این نوع اعمال ذکر می شد.

مطلب ذیل: «در حالی که در جامعه ما، ایران، عامه مردم، فحشا و دیگر انحرافات جنسی را نوع شدید کجروی می دانند و بقیه موارد کجروی را به نسبت طبقه اجتماعی و اقتصادی که در آن قرار دارند، کجروی می دانند.» (ص ۳۱) بر پایه چه تحلیل و تحقیق علمی بیان شده است.

در جایی دیگر برای مستند کردن مطلب خود چنین می نویسد.

«یکی از جامعه شناسان در مورد تعیین کجروی چنین نوشته است...» (ص ۴۱).

مجهول بودن نام جامعه شناس برای مطلب هیچگونه ارزش مثبتی به بار نمی آورد.

«هنوز هم درصد افراد تحصیل کرده معتاد به قدری پایین است که از لحاظ آماری چشمگیر نمی باشد.» (ص ۱۰۰).

«... البته درصد مبتلایان به مواد مخدر در جامعه ما با توجه به نسبت کل جمعیت، هنوز خیلی کمتر از آمریکا است به حدی که قابل مقایسه نیست و دلیل عمده این امر در این است که مصرف مواد مخدر در جامعه ما هنوز کاری بهنجار و عادی نیست...» (ص ۱۶۱).

در همین صفحه (۱۶۱) پس از ذکر آماری از اعتیاد پزشکان در آمریکا و انگلستان (بدون ذکر تاریخ آمار منتشره)، نظر داده اند که در ایران اعتیاد پزشکان به این شدت نیست. ملاحظه می شود که مطالب مذکور هیچکدام استناد علمی ندارند.

گاه نیز با ذکر ارقام بدون آنکه به منبع تحقیق آن اشاره و یا سال مورد نظر قید شود دانشجو و خواننده کتاب به درد سر می افتد. مثلاً در صفحه ۱۶۲ آماری در مورد میزان هزینه ای که یک نفر معتاد برای رسیدن به مواد مخدر لازم دارد ارائه داده است که نه تاریخ تخمین هزینه را دارد و نه به منبعی که چنین آماری را داده اشاره شده است.

در جایی دیگر می خوانیم: «امیل دورکیم فرانسوی حدود چندین سال پیش اعلام کرد که افزایش جنایت یا تراکم...» (ص ۱۹۶). چنانچه منظور مشخص کردن سال بیان نظریه بوده است، بهتر بود که تاریخ دقیق و یا حدود آن (مثلاً دهه اول قرن بیستم) مشخص می شد. برای کوتاهی سخن از ذکر سایر موارد صرف نظر می شود.

بیان روز ناسه‌ای

در پیشگفتار می‌خوانیم که از علل وجودی انحرافات اجتماعی وجود امپریالیزم است: «... زیرا امپریالیزم که آمیزه‌ای از فاشیسم، راسیسم و میلیتاریزم است، برای حفظ موقعیت کارتلها و تراستها شرایطی را در جوامع ایجاد می‌کند تا نسل جوان هر روز به انحرافات بیشتر نزدیک گردد و از معیارهای انسانی و اخلاقی دور بماند و از طریق گسترش اعتیاد سعی می‌کند قدرت جسمی و توان فکری را از آنان سلب و امکان مبارزه بر علیه استثمار، استعمار و امپریالیزم را از آنان بگیرد...» تأکید نویسنده بر این مطلب در مقدمه، که معمولاً با وسواس و دقت نوشته می‌شود، انتظار خواننده را بر می‌انگیزاند تا در متن کتاب رابطه امپریالیزم و نقش کارتلها و تراستها را با انحرافات اجتماعی مطالعه کند. اما در کتاب چنین اشاره‌ای وجود ندارد.

از سوی دیگر امپریالیستها، استثمارگران و استعمارگران معمولاً جوامع غیر خودی را مورد سوءاستفاده قرار می‌دهند و از آنها بهره‌وری می‌کنند، در حالی که این کتاب بیشتر به جنبه‌های انحرافات اجتماعی در خود جوامع امپریالیستی و استعمارگر اشاره کرده است.

در پیشگفتار آمده است: «... اگر در این کتاب مقایسه‌ای بین انحرافات در جوامع مختلف شده است برای آن است که...»، اما در واقع چنین مقایسه‌ای صورت نگرفته است و عمدتاً به مسائل انحرافات اجتماعی در کشورهای صنعتی غرب بویژه آمریکا که مسائل و انحرافات خاص خود را دارند، پرداخته شده است. گرچه پاره‌ای از این انحرافات با انحرافات اجتماعی در جوامع جهان سوم و از جمله کشور ما مشترک است، ولی به هر حال، تفاوت‌های زیادی نیز وجود دارد و به همین دلیل، ما برای حل مسائل خودمان باید متکی بر تحقیقات و مطالعات در جامعه خود باشیم. بنابراین، از طریق الگوهای آن کشورها نمی‌توانیم... راهی برگزینیم که مانند آنها هر روز با مسائل و مشکلات اجتماعی بیشتر مواجه نگردیم...» (ص ۶).

چند نکته مهم

کتاب «آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات»، ایرادات زیر را نیز دارد:

- ۱- در میان علوم اجتماعی، آسیب‌شناسی اجتماعی دارای سباحی است که بیشترین نیاز را به نشان دادن عملی راه چاره دارد، در این کتاب بندرت به چنین راه‌چاره‌هایی برسی‌خوریم.
- ۲- بیشتر شیوه‌هایی که در مقولات این کتاب اتخاذ شده برای حفظ نظم در جوامع غربی است تا نظام اجتماعی و اقتصادی آنها حفظ شود. در حالی که، برای کشور در حال توسعه و انقلابی سانی توان باشیوه‌های حفظ نظم اجتماعی به مبارزه با انحرافات پرداخت و یا آن را محدود ساخت، بلکه باید شیوه‌های پویاتری را اتخاذ کرد و با برخورد‌های انتقادی و انقلابی از انحرافات که به سوی نهادی شدن پیش می‌روند، جلوگیری کرد. به عبارت دیگر، انحرافات اجتماعی، بیماریهای

جامعه هستند. در جوامع انقلابی نمی توان با مسکن این بیماریها را علاج کرد، بلکه باید به طور پیشه ای با آنها برخورد کرده تا بیماری امکان بروز مجدد را پیدا نکند.

۳- اتخاذ شیوه های انتقادی و انقلابی در برخورد با مسائل و انحرافات اجتماعی به نتهایی مؤثر نیست، برای اینکه این گونه شیوه ها نهادی شوند، نیاز به امکانات و وسایلی است که بتوان آنها را به میان توده های مردم برد.

آموزش و پرورش، رادیو، تلویزیون، مطبوعات و سایر وسایل ارتباط جمعی در این راه بسیار مؤثر هستند. در این کتاب از این رسانه ها و تأثیر آنها بر روی انحرافات اجتماعی غفلت شده است.

۴- در این کتاب جای بررسی کوناهای در مورد سیر اندیشه های ایرانی و اسلامی در مورد انحرافات اجتماعی خالی است. از آمارها و ارقام موجود در قبل و بعد از انقلاب و تحلیلها و تحقیقیایی که در این زمینه به عمل آمده نیز استفاده نشده است.

۵- بجزیر از ایراداتی که از محتوای کتاب ذکر شده است، نواقصی نیز از نظر شکل ارائه کتاب وجود دارد از جمله فهرست اعلام ندارد و فهرست منابع نیز دارای مشخصات کامل منابع نیست.

در پایان باید ذکر کنم که در راه نشر کتابهای درسی دانشگاهی در زمینه های علوم اجتماعی در سالهای اخیر کوششهای چندانی صورت نگرفته است و کتاب «آسیب شناسی اجتماعی و جامعه شناسی انحرافات» از جمله معدود کتابهایی است که در این زمینه انتشار یافته است که خود کوششی ارجمند است. گرچه این کتاب به دلیل ایرادات و نواقصی که دارد، مناسب برای تدریس نیست ولی می توان مطالعه آن را به عنوان یک کتاب خواندنی و کمک درسی به دانشجویان توصیه کرد.

یادداشتها:

1 - Marshall B. Clinard

2 - Albert K. Cohen

۳) این کتاب با عنوان *Sociology of Deviant Behavior* از سوی انتشارات Holt, Rinehart & Winston نیویورک چاپ و منتشر شده است.

4 - Albert K. Cohen, *Deviance and Control* (Englewood Cliffs N. J. : Prentice - Hall, 1966).

5 - Marshall B. Clinard, ed., *Anomie and Deviant Behavior* (New York : Free - Press, 1964).

6 - Marvin E. Wolfgang, L. Savitz, and N. Johnson, *The Sociology of Crime and Delinquency* (New York : John Wiley & Sons Unc., 1970.)

در فهرست منابع نام ولفگانگ اشتباهاً Voltgang و نام جانسون اشتباهاً Johnston آمده است.

7 - Cultural lag

8 - Emile Durkheim

۹) در یکی دو جای کتاب ذکرى از اسيل دورکيم به عمل آمده است ولي به طور جدی نظرات او مورد بررسی قرار نگرفته است.

10 - Robert K. Merton


11 - Cultural Transmission

12 - Social Interactionism

13 - phenomenalism

14 - George Herbert Mead

15 - Social Conflict



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی